

## سخنرانی در پایان مراسم قرائت قاریان قرآن، در ماه مبارک رمضان - 28 / اسفند / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را بر ادراك يك ماه رمضان ديگر و درك فرصت تلاوت و استماع قرآن سپاسگزاريم. خدا كند كه بتوانيم اين فرصت الهی را كه يك بار ديگر هم به ما داده شد، قدر بدانيم و جواب خدای متعال را از اعطای اين فرصت - كه آن را در چه راهی صرف كرديم و از آن چه استفاده‌یي كرديم - آماده داشته باشيم. از برادران عزيز قاری هم تشكر می‌كنيم كه امسال در اين جلسه شركت كرده‌اند؛ بخصوص برادرانی كه از راههای دور تشریف آورده‌اند. اميدواريم كه خداوند به همه‌ی شما توفيق بدهد و كمك كند كه باز هم بتوانيد در اين راه پيش برويد.

آنچه كه در مجموع، هم از اين جلسه و هم از تلاوتهای ديگری كه گاهی از طريق صدا و سيما يا جلسات ديگر به گوش خورده، به دست می‌آيد، اين اميدواری را به ما می‌دهد كه بحمدالله از لحاظ تلاوت و قرائت، پيشرفتمان خوب بوده است. اگر خودمان را با سالهای اول انقلاب مقايسه كنيم، بايد بگويم كه هم كيفاً و هم كمّاً پيشرفت كرده‌ايم؛ يعنی تعداد کسانی كه استعداد خودشان را برای تلاوت نشان می‌دهند و صداهای خوش، حنجره‌های قوی و قدرت ابتكار و خلاقیت در خوانندگی دارند، زيادتر شده‌اند؛ از اين جهت ما خوشحالييم. امروز بحمدالله ما بعضی از اصوات گرم را از جوانانی شنيديم كه آن تازگی صدای جوانی در تلاوتشان كاملاً محسوس است؛ اينها بايد بدانند كه ميدان برای پيشرفتشان خیلی باز است و به‌هيچ‌وجه حق ندارند در يك حد متوقف بمانند. توقف، يعنی سرازير شدن و تنزل.

از جهت حفظ هم همين‌طور بالنسبه پيشرفت داشته‌ايم. اگرچه در اين جلسه با حفظ محترم مواجه نشيديم، ليكن آن‌طور كه مشهود است، جوانان و نوجوانان ما به حفظ اقبال كرده‌اند؛ منتها كم است. ما كه در يك جامعه‌ی بزرگ و در يك كشور پهناور زندگی می‌كنيم، بايستی هزاران نفر حافظ قرآن داشته باشيم. کسانی كه در سنين بالا هستند، شانس حفظ كردنشان كمتر است؛ اگرچه شانسشان منتفی نيست. البته بعضیها وقت نمی‌كنند؛ اگر وقت می‌كردند، می‌توانستند تجربه و آزمایش كنند. من خودم وقت نمی‌كنم؛ والا در همين سن هم شروع به حفظ قرآن می‌كردم. جوانان اين را بدانند كه حتی در سنين ما اگر وقت و مجال بود، جا داشت و بهتر بود كه کسی برای حفظ قرآن صرف وقت می‌كرد؛ در سنين جوانی اين كار لازم است. اصلاً بهتر اين است كه همه‌ی مردم ما انشان با قرآن به گونه‌یي باشد كه آیات قرآن به گوششان آشنا باشد؛ وقتی آیه‌یي را می‌خوانند، صدر و ذيل و قبل و بعد آيه برايشان آشنا باشد.

قراء محترم هم بايد توجه كنند كه قاری حافظ امتياز زیادی بر قاری غيرحافظ دارد. اين جوانان و نوجوانانی كه تازه شروع به تلاوت قرآن كرده‌اند - مثل همين نوجوان عزيزمان، (1) يا بعضی ديگر كه صداشان خوب است و آینده‌ی خوبی هم خواهند داشت؛ البته اگر زحمت بكشند - اينها بايد از حالا برنامه‌ريزی كنند و حافظ قرآن باشند.

البته در تجويد هم الحمدلله پيشرفت قاریان ما خیلی خوب است؛ آدم می‌بيند كانه تجويد دارد جزو طبيعت قرآنیون ما می‌شود؛ اين فايده‌ی محيط قرآنی است. من يادم هست پيش از انقلاب كه ما در مشهد جلسات قرآن داشتيم - اين برادرانی كه در اين‌جا تشریف دارند، اكثرشان يا خيليشان در آن جلسات بودند - گاهی اوقات برای آن كه اين قاری ادای يك حرف يا ادای تجويدی را به شاگرد بياموزد؛ مثلاً يك تفخيم و يا يك ترقيق بجا را ياد بدهد، جلساتی وقت صرف می‌شد؛ اما اين طرف هم با آن كه جوان بود، ياد نمی‌گرفت، يا به زحمت ياد می‌گرفت؛ مگر کسانی كه

استعداد داشتند؛ چون محیط، محیط تلاوت قرآن نبود و این صوت با گوشها انس نداشت؛ باید کسی در آن جلسات مدتها می ماند، تا یواش یواش به این سبک خواندن مأنوس می شد و می توانست درست ادا کند. امروز این طور نیست؛ انسان می بیند که این نوجوان این طور بخوبی تلاوت می کند و صدای صاد و ضاد و طاء و ظاء را مثل خود عرب زبانها ادا می کند؛ گویا اصلاً او عرب متولد شده است! این قراء عربی که به این جا می آیند، مکرر به من می گویند که ما تعجب می کنیم که قاریان شما چه طور این کلمات و حروف را - که صدایش با زبانشان بیگانه است - ادا می کنند! این برای چیست؟ برای آن است که محیط، محیط تلاوت قرآن شده است. ما سالهای متمادی این حرف را تکرار می کردیم که اگر جریان به سمتی حرکت کرد، تربیت آسان می شود؛ این از برکات جمهوری اسلامی است. چون جهت حرکت، جهت قرآنی است، خیلی راحت و آسان، فرم و شکل قرآنی در جوانان و حتی در استعدادها متوسط به وجود می آید. بنابراین، از جهت تجوید و ادای حروف و کلمات هم ما مشکلی نداریم؛ الحمدلله روزبه روز دارد بهتر هم می شود؛ مخصوصاً این جوانان با استعداد و خوبی که دارند می خوانند؛ اصلاً هر دفعه که می خوانند، می بینم ماشاءالله از دفعه ی قبل بهتر شده اند.

نکته یی که بنده می خواهم روی آن تأکید بکنم، این است که همه - چه افراد سابقه دار، چه افراد متوسط، و چه افراد تازه کار و تازه وارد میدان شده - باید احساس کنند این جایی که هستند، بالاترین نیست؛ جاهای بالاتری هم وجود دارد؛ باید سعی کنند آن جاها را تصرف و قبضه کنند؛ بنابراین رشد باید متوقف نشود. این جوانانی که با تشویقها مواجه می شوند و بجا هم تشویق می شوند - مثل همین نوجوان عزیزمان (2) که ماشاءالله خیلی هم خوب خواندند - باید متوجه باشند که این تشویقها نباید آنها را به اشتباه بیندازد؛ خیال کنند که دیگر حالا يك قاری شده اند! نه، هنوز خیلی کار دارد؛ هنوز این بسم الله الرحمن الرحيم است؛ و این هنوز ایجاد این میدان عظیم است؛ این شروع کار است؛ منتها شروع بسیار خوبی است. اگر بخواهیم این شروع را با مثلاً شروع آقای شحات انور مقایسه کنیم، این شروع، بهتر از شروع شحات انور است؛ به شرط این که مرتب زحمت مناسب بکشند. البته منظور این نیست که حنجره را خسته کنند و دائماً این طرف و آن طرف بروند و مرتب از اینها کار نمایشی بکشند؛ این هم درست نیست؛ من با این کار موافق نیستم. کار باید واقعاً منظم باشد؛ البته نمایش هم مقداری در کار منظم جا دارد. اگر ایشان (3) پانزده سال کار منظم و خوب بکنند، از این آقای که حالا از او تقلید می کنند، بهتر خواهند خواند؛ اما اگر بخواهیم الان را مورد قضاوت قرار دهیم، تفاوت زیادی وجود دارد.

حالا از ایشان عبور می کنیم و به سراغ این جوانان خوبی که می خوانند، می آییم. امروز يك نفر از این جوانان خواندند که صدای خیلی تازه و خوبی داشتند. (4) انسان در آن زنگ صدا، واقعاً آن بکارت صدای جوانی را حس می کند و درمی یابد که این صداها چه قدر قشنگ است. شما جوانان مبادا خیال کنید که وقتی صداتان بلند می شود و حضار الله الله و احسنت احسنت می گویند، معنایش این است که دیگر قضیه تمام شده است؛ نه، شما هنوز در اول راه قرار دارید؛ منتها استعداد و صداتان خیلی خوب است و اگر زحمت بکشید، خیلی خوبتر خواهید شد؛ معنای این تشویقها این است. من خیلی از شماها را می شناسم. برادری هست که هفت سال، هشت سال، ده سال است که دارد مرتب و منظم و جدی می خواند؛ این فرق دارد با برادری که چهار، پنج سال است دارد می خواند؛ لیکن همه ی شما برادران باید به این خصوصیت توجه کنید.

بینید، ما احتیاج داریم که در داخل کشور قرائی پیدا بشوند که در قرائت صاحب سبک باشند؛ حالا به همین قرائت مشهوری که ما می خوانیم - که قرائت «حفص» باشد - یا در کنارش هم قرائتهای دیگری که مثلاً در شمال آفریقا معمول است. این که شما می بینید مصریها دائماً قرائت «ورش» و «قالون» را می خوانند، به این دلیل است که این دو قرائت در آن جاها رایج است. مثلاً در لیبی و الجزایر و تونس، قرائت «ورش» در مکتبخانه ها تدریس می شود، نه قرائت «حفص». البته در دنیای اسلام قرائت «حفص» - همین قرائتی که حالا معمول ماهاست و آن را می خوانیم -

معروفتر است. من موافقم که برادران قرائتهای دیگر - بخصوص قرائات معروف؛ مثل قرائت «ورش» - را یاد بگیرند و بخوانند. ما باید به آنجا برسیم که وقتی قاری ما شروع به خواندن می‌کند، کیفیت ادا و بیان کلمات قرآنی توسط او به‌گونه‌ی باشد که حضار به همان اندازه که با زبان عرب آشنا هستند، تحت تأثیر قرار بگیرند؛ که هدف اصلی قرائت هم این است. شما که الحمدلله صدا و تجوید و قرائتتان خوب است، باید تلاش کنید به آنجا برسید که مثل شیخ مصطفی اسماعیل - که این آقایان قرآنی که به این‌جا می‌آیند، کمتر مثل او می‌خوانند - بتوانید کلام خدا را آن‌چنان ادا کنید که مستمع به همان اندازه‌ی که ظرفیت دارد، تحت تأثیر کلام الهی قرار بگیرد و آن فضا را احساس کند. شما باید در این زمینه صاحب سبک بشوید و دیگر مقلد این و آن هم نباشید؛ این آن حد اعلایی است که فعلاً مورد نظر ماست؛ این زحمت و تلاش و نوآوری لازم دارد.

نکته‌ی آخر راجع به این تواشیح است. من خیلی خوشحال شدم از این‌که دیدم برادران مشهدی ما (5) الحمدلله این نوآوری را کردند و آمدند شعر نو و آهنگ نو خواندند. البته چیزهایی از این تواشیح خیلی عربی است و ماها نمی‌فهمیم؛ عیبی هم ندارد و ما هم نفی نمی‌کنیم؛ اما آن چیزی که بسیار خوب است، این است که سبک، نوست شعر، نوست؛ دیگر تقلید محض از دیگران نیست. من غالباً به این برادرانی هم که در تهران مشغول هستند و همین گروه‌های تواشیح و همخوانی را دارند - که انصافاً هم بسیار خوبند - گفته‌ام که این قرآن‌خوانی مشترکی که شماها دارید، خیلی عالی است؛ واقعاً در دنیا کم‌نظیر است که این‌طور هفت، هشت نفر با هم همخوانی دارند؛ اما در زمینه‌ی این آهنگها و سرودهایی که درباره‌ی توحید و حضرت ختمی مرتبت (علیه‌و‌آله‌السلام) و یا راجع به موضوعات دیگر است، باید نوآوری کنید. شما این قصیده‌ی «بُرده» (6) و «لامیة العجم» (7) و قصاید شیخ کاظم اُزری (8) و این قصاید معروف عربی را که در هر محفل عربی بخوانید و در آنجا چهار نفر آدم عربی‌دان باشند، تا بیت اولش را خواندید، همه می‌فهمند که اصلاً شما چه می‌خواهید بخوانید؛ قصیده برایشان روشن است؛ این قصیده خوب است؛ آن وقت شما این را با آهنگ ابتکاری بخوانید؛ همین‌طور که الان این برادران با آهنگ جدید خواندند. صداهای شما هم الحمدلله از صداهای آنها کمتر نیست. هیچ لزومی ندارد که چون «طه الفشنی» یا دیگران این قصیده را خوانده‌اند، ما هم همیشه تا آخر همین را بخوانیم. البته اگر در شروع کار از آنها یاد گرفتیم، عیبی ندارد؛ اما انسان تا آخر که نباید همیشه تقلید بکند؛ باید نوآوری بکند. در مدح رسول اکرم و در مدح ائمه (علیهم‌السلام)، در مدح ماه رمضان، در مدح قرآن، درباره‌ی قرآن، و در مناجات باری‌تعالی، شعرهای بسیار خوب عربی ممتازی وجود دارد؛ اینها را بخوانید. امیدواریم که ان‌شاءالله روزبه‌روز این کار پیشرفت کند.

بنده اعتقاد قاطع این است که ما اگر بخواهیم قرآن در ذهنیت و فضای جامعه جا بیفتد، باید تلاوتگر قرآن زیاد داشته باشیم؛ به این خاطر ما دنبال تلاوت قرآن هستیم. این آهنگهای قرآنی دلها را متوجه قرآن می‌کند؛ صداهای خوش را باید در این چیزها استخدام کرد. هیچ مضمونی از مضمون کلام خدا شایسته‌تر نیست، برای این‌که در صدای خوشی جا بگیرد و صدای خوش حامل این کلام و بیان بشود؛ این از هر شعر و سخن ادیبانه‌ی بالاتر است.

مجدداً از برادران عزیزی که زحمت کشیدند و بخصوص از راههای دور تشریف آوردند، تشکر می‌کنیم و توفیقات همه‌ی شما را از خداوند متعال خواستاریم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

1) آقای نظری

2)

3) 1 و 2. آقای فروغی

- 4) آقای طوسی  
5) گروه تواشیح جامعه‌ی قاریان مشهد؛ آقایان: سادات فاطمی، رضا جاویدی، صادق جاویدی، مهدی صیاف‌زاده.  
تنظیم: آقای شهید داوودی  
6) الكوكب الدرية في مدح خير البرية»  
7) شاعر: طغرابی ( 514 - 455 ق)  
8) 1212 - 1143 ق